

روى خط خبر

کاندیداهای مسابقه تبلیغات سینمای ایران معرفی شدند

● **گروه هنر:** پنجشنبه، ۱۲ بهمن، افتتاحیه سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر برگزار می‌شود. بخشی از این مراسم به اهدای جوایز بخش تبلیغات سینمای ایران اختصاص دارد؛ اتفاقی که طبق روال سال‌های گذشته بهترین‌های این رشته هنری جوایزشان را در مراسم افتتاحیه و از داوران این بخش دریافت می‌کردند. ابراهیم حقیقی، طاه‌ا داکر، سیف‌الله صمدیان، سپیده عبدالوهاب و میثم مولایی به‌عنوان اعضای هیئت داوران بخش مسابقه تبلیغات سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر، بهترین‌های عکس فیلم، آتونس و تیزر و پوستر را اعلام کردند. در بخش بهترین عکس فیلم، علی نیک‌رفتار، از عکاسان پیش‌کسوت سینمای ایران که عکاسی فیلم‌هایی مانند «بوی کافور عطر یاس»، «سربراهای جمعه»، «کافه‌ستاره»، «کنعان» و… را در کارنامه دارد، برای فیلم «زادبوم» کاندیدای دریافت سیمرغ بخش عکس شد؛ فیلمی که در سال ۸۷ ساخته شد و بعد از سال‌ها به اکران سینما رسید. نیک‌رفتار پیش از این برای عکاسی فیلم‌هایی مانند «به حبه قند» و «دست‌های خالی» تندیس جشن خانه سینما را دریافت کرده است و برای فیلم‌های «روای نیمه‌شب تابستان» و «همسر» کاندیدای دریافت سیمرغ بلورین بوده. جواد جلالی برای فیلم سینمایی «پریناز» کاندیدای دریافت جایزه شد؛ فیلمی که سال‌ها از زمان ساختش می‌گذرد و امسال پس از رفع توقیف چند فیلم سینمایی راهی اکران هنروتجربه شد و عکس‌های این فیلم سینمایی برای حضور در بخش عکس شرایط لازم را داشت. جواد جلالی، عکاس این فیلم سینمایی، در سی‌امین دوره برگزاری جشنواره فیلم فجر برای فیلم «بدرود بغداد» سیمرغ بلورین بهترین عکس و بار دیگر در جشنواره سی‌ودوم برای فیلم «برلین منفی هفت» این‌جایزه را دریافت کرد. امید صالحی، دیگر عکاس جوانی که برای فیلم «روزهای زندگی» سیمرغ بلورین بهترین عکس را در جشنواره سی‌ویکم به خود اختصاص داد، دیگر کاندیدای این دوره بخش عکس برای فیلم «مالاریا» است. تندیس دومین جشنواره فیلم یاس و تندیس بهترین عکاس جشنواره سی‌امین دوره فیلم کودک و نوجوان از دیگر جوایز اوست. صالحی، عکاسی از فیلم‌های دوساعت بعد مهرآباد، خانه دختر، درساژ و اسرافیل را در کارنامه‌اش دارد. سیدعبدالحسین نواب‌موسوی نیز از دیگر کاندیداهای بخش عکس برای فیلم «تیک‌آف» است که عکاسی از آثاری مانند «معبد جان» و «تنهای تنهای تنها» بخشی از آثار اوست. دریافت دیپلم افتخار و پروانه زرین جشنواره بین‌المللی فیلم کودک برای عکس‌های فیلم «تنهای تنهای تنها»، کاندیدای سیمرغ بلورین و تقدیرشده در جشنواره بین‌المللی فیلم فجر بلورین عکس‌های فیلم «تنهای تنهای تنها» از دیگر سوابق او است. در بخش بهترین پوستر، احسان رضازاده برای فیلم «آواناز» کاندیدای دریافت سیمرغ شده است. محمد روح‌الامین که طراحی پوستر فیلم‌هایی مانند «سبزده»، «رفتن»، «رگ خواب» و… را در کارنامه دارد، برای طراحی پوستر «رگ خواب» کاندیدای دریافت سیمرغ این بخش شد. حامد مسعودی‌فر نیز برای طراحی پوستر «ماهی» از دیگر کاندیداهای این بخش است. احسان برآبادی که تاکنون برگزیده جایزه بهترین طراحی پوستر فیلم از جشنواره سی‌ام فیلم فجر (پوستر انگلیسی فیلم اینجا بدون من)، جایزه پروانه زرین بهترین طراحی پوستر فیلم از جشنواره بیست‌وهفتم فیلم کودک (پوستر انگلیسی فیلم تنهای تنهای تنها)، کاندیدای دریافت سیمرغ بلورین برای طراحی پوستر جشنواره فیلم فجر در سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۹-۱۳۸۶ را در کارنامه دارد، برای طراحی پوستر فیلم «نگار» کاندیدای این بخش است و بابک یادگاریان برای طراحی پوستر «هجوم» از دیگر نام‌هایی است که در بخش طراحی پوستر اعلام شده است. در بخش تیزر و آتونس، محمد زمانی برای «بنیانگذار محک» در فهرست بهترین‌های این بخش است. کریم مهرآبادی برای فیلم «۱۲ روز بعد»، مسعود رفیع‌زاده برای فیلم «خفگی» و امیر ششیان‌خاقتی برای فیلم «رگ خواب» در بخش بهترین‌های تیزر و آتونس قرار گرفتند.

نمی‌توانم در سیستان و بلوچستان فیلم بسازم…

● **حسین ریگی:** همیشه دوست داشتمم اگر روزی مجوز ساخت فیلم سینمایی خود را دریافت کردم، بتوانم آن را در استان خودم تولید کنم. همیشه کارهای من نشان می‌دهد که بنده از هر فرصتی استفاده می‌کرم که بخشی از آداب و رسوم و تاریخ و جغرافیای استانم را در فیلم‌هایم نشان دهم. ولی متأسفانه این روزها که مجوز ساخت فیلم اول سینمایی‌ام را گرفته‌ام و می‌توانم جدی‌تر به فعالیت فیلم‌سازی‌ام ادامه بدهم، به موانعی برخوردادم که مهم‌ترین و اساسی‌ترین این موانع، جذب سرمایه‌های فیلم است؛ در بدنه سینما هم سراغ تهیه‌کننده‌ای می‌روم. آنها اولین فاکتور برای سرمایه‌گذاری روی فیلمم را فروش بیان می‌کنند و این را من و همکارانم می‌دانیم که فیلم‌های بومی نمی‌توانند فروش خوبی در کیشه سینمای ایران داشته باشند و اینجا هم همیشه به بن بست خورده و می‌خورم. شاید تا چند صباح دیگر تصمیم بگیرم که اولین فیلمم را با ساختارهای تهیه‌کنندگان سینمای ایران که فروش ملک اول است، بسازم و از ساخت فیلم اولم در این استان دست بردارم.

فریادهای احمد نجفی در راهروی سازمان سینمایی علیه شورای صنفی نمایش

فرانک آرتا: روز گذشته فیلمی کوتاه در فضای مجازی منتشر شد که در آن احمد نجفی، بازیگر، مجری و تهیه‌کننده سینما و از یاران احمدی‌نژاد، مشغول فریادزدن است. در این فیلم که به شکلی حرفه‌ای تصویربرداری و حتی تدوین شده، احمد نجفی در راهروی سازمان سینمایی در کنار افرادی مانند داریوش بابائیان، حبیب اسماعیلی، مانی باغبانی و علی‌اکبر تقفی ایستاده و خطاب به شورایی که نامش چندان مشخص نیست، در جملاتی مواضع خود را علیه آن بیان می‌کرد. او در این ویدئو با حالت پر خاش جویانه گفت: «من بهشون گفتم نذارید به این جام {گلویم} برسد. من امروز «تحصن» غذا می‌خواهم بگیرم. من تا شورای صنفی کنفی را از بین نبرم ول نمی‌کنم. هرکسی با این شورا سر… دارد. من بابای اینها را درمی‌آورم. قسم قرآن خوردم… گفتم تا فردا بین چه بکنم با اینها. این شورا غیرقانونی است. این شورا ظالم است. هر کی آنجا نشسته یک البت خاص است… من نمی‌گذارم… بنا به کار ی که سال‌ها کار صنفی کرده‌ام، از صنفم مقابل این شورای بی‌میدر و نامرد جلوگیری خواهم کرد. جوابش را هم در دادگاه فرهنگی خواهم داد. من تا اینجا را گل نگیرم ولشان نمی‌کنم».

با مشاهده این ویدئو، ناخودگاه تماشاگر یاد رفتارهای احمدی‌نژاد و یاران او می‌افتد و اخیرا هم دوستان و حلقه نزدیک به او موسوم به «فرقه زنبیلیه» در حرم حضرت عبدالعظیم(ع) تحصن کردند. حالا هم احمد نجفی که روزگاری در کنار احمدی‌نژاد به دفاع از عملکرد او می‌پرداخت، با ادبیات خاص جانبدارانه و تهاجمی هم می‌خواهد به تحصن دست بزند؛ رویه‌ای که ظاهرا دارد به سنت تبدیل می‌شود و از مرزهای قانونی عبور می‌کند. در پی این اتفاق، در گفت‌وگو با علی میرزایی، دبیر شورای صنفی در سازمان سینمایی، جویای دلیل اعتراض احمد نجفی شدیم که او به «شرق» توضیح داد: «من همین الان متوجه این موضوع شدم و ماجرا را از نزدیک ندیدم، اما ظاهرا گلایه آقای نجفی از شورای صنفی نمایش است و به اکران‌نشدن فیلم «من یک ایرانی‌ام» اعتراض کرده». احمد نجفی هم در گفت‌وگو با «مهر» به‌صراحت از شورای صنفی نمایش گلایه کرد و گفت: «شورای صنفی نمایش هیچ کاری برای اکران فیلم‌ها انجام نمی‌دهد و من از شما می‌خواهم که بروید و ببینید از ابتدای سال گذشته تاکنون چه فیلم‌هایی اکران شده است.

او ادامه داد: «شورای صنفی نمایش می‌خواهد فیلم مرا ناپود کند، درحالی‌که «من یک ایرانی‌ام» درباره غرور ملی است. البته اعتراض من فقط برای خودم نیست و برای همه فیلم‌ها اقدام کرده‌ام، چراکه همه

گروه هنر: همچنان اعتراض به حذف روز عقیم، نوشته و کار حسین کیانی از جشنواره تئاتر فجر ادامه دارد و این اعتراض‌ها مانند موجی به دنیای حمایتی همه‌جانبه از تئاتر ایران است که نباید با تصمیمات لحظه‌ای دچار وضعیت بفرنج و آسیب‌دیدن از آن شود. اما در این مدت که از حذف ناگهانی نمایش روز عقیم از جدول جشنواره تئاتر فجر گذشته، هنرمندانی از گروه نمایش روز عقیم و در واقع از حیثیت تئاتر حمایت کرده و به دفاع برخاسته‌اند. تاکنون هنرمندانی چون محمد رحمانیان، محمد مساوات، محمد عاقبتی، میلاد نیک‌آبادی، روح‌الله جعفری، نوید محمدزاده، الهام کرد، مسعود میرطاهری، حسین ابدل، مهدی یزدانی خرم، هوتن شکیبا، الهام پاه‌نژاد، مهراب قاسم‌خانی، شبنم فرشادجو، کهد تاراج، رضا احدی‌نیا، داریوش رشادت، شهرزو دل‌افکار، احسان کرمی، رضا حامدی‌خواه، تینوش نظمجو، ایوب آقاخانی، شهره سلطانی، شهرام حقیقت‌دوست، مهتاب نصیرپور، الهه شه‌پرست، مهدی دوائی و… در حمایت از روز عقیم با حسین کیانی هم‌صدا بوده‌اند.

الهام کرد: **صراحت**

روز عقیم توقیف شد؟ فکر می‌کنم نکند روز عقیم آدم کشته، دزدی کرده، اختلاسی یا شاید دروغ گفته یا هزار کار دیگری که بابتش توقیف می‌شود. روز عقیم تنها کاری که کرده با صراحت حرف زده است.

آن‌طور که باید و طوری که توقیفش نکنند، راه‌ها

را برای گفتن حرف‌هایش پیدا نکرده؛ صادقانه و بدون ترس حرف زده.

و حالا باید تقاص پس بدهد؛ چون کسی پشتِ این کار نایستاد. مگر می‌شود مسئولان جشنواره و مرکز هنرهای نمایشی حواسشان به حسین کیانی نباشد؟ که هست حتما. اما احتمالا ورش به کسانی که می‌خواهند همچنان این تئاتر عقیم بماند، نرسیده است.

اما موضوع این است، ترسیم از اینکه پشت هم بایستیم؛ پشت ما بایستد، همراه ما باشد. ما فقط شما را داریم. اگر کنار ما باشد، ما هم کنار شما می‌مانیم.

ستاره اسکندری: **تلخ؛**

نمایش روز عقیم در برداشت نهایی عقیم شد. چه تلخ و گزنده است این خبر! آن‌هم در روزهای جشنواره؛ روزهایی که تکراری است و به عادت تبدیل شده و شاهد آن بوده‌ایم که قوانینی به ظاهر از سوی نهادهی مربوطه تدوین و پذیرفته‌شده و در واپسین لحظات کاری مورد ممیزی بی‌چود و چرای نهاد غیرمربوط دیگری قرار می‌گیرد.

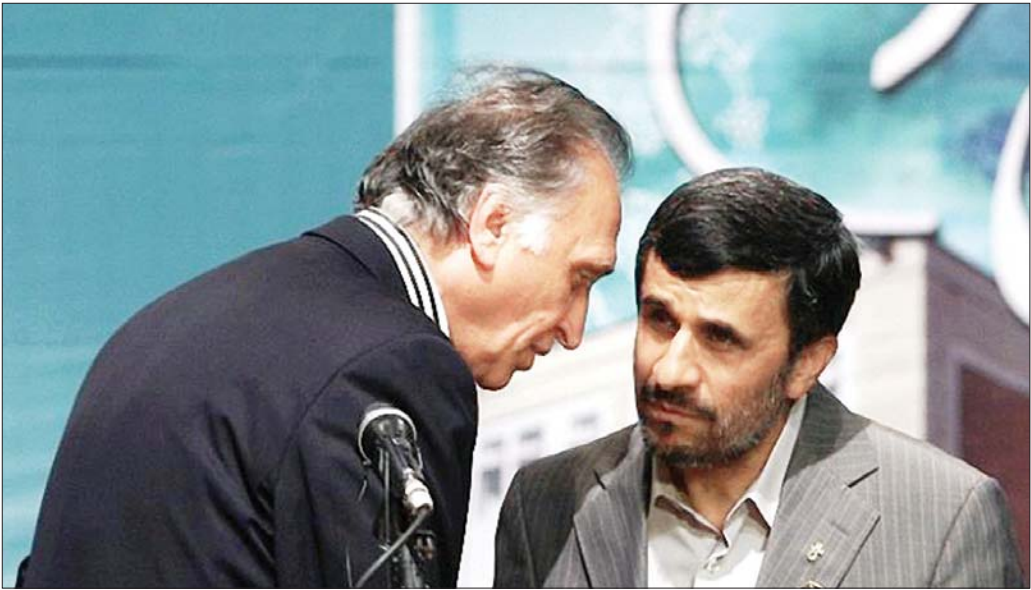
دوباره شرایط به‌صحنه‌رفت یک تئاتر را مرور کنیم؛ ابتدا نمایش نامه پس از بررسی از سوی مؤسسه قانون‌گذار مربوطه، به‌صورت قانونی مجوز می‌گیرد. گروه نمایش پس از عبور از فرازوفروزد مسیری طاق‌تفرسا نمایش‌نامه را آماده اجرا می‌کند. هیئت نظارت و ارزشیابی مرکز هنرهای نمایشی، برای بررسی کیفی و محتوایی اجرا، آن را – در مواردی به دفعات – می‌بیند و سرانجام مجوزی اجرا صادر می‌شود تا برای مدت مشخصی روی صحنه برود.

برای حضور در جشنواره، با توجه به حضور میهمانان غیربومی، هیئت بازبینی دیگری، از طرف

هنر

فریادهای احمد نجفی در راهروی سازمان سینمایی علیه شورای صنفی نمایش

اسعدیان: از هر شکایتی استقبال می‌کنیم



فیلم‌ها دچار نوعی مافیای اکران شده‌اند.» تهیه‌کننده فیلم «من یک ایرانی‌ام» درباره اعتراض خود عنوان کرد: «این شورای صنفی نمایش باید ابطال شود و به ما ثابت شده است که هیچ گروهی به صورت خصوصی نمی‌تواند فعالیت سینمایی درستی برای این کشور انجام

دهد و بهتر است این مسئله هم دست خود وزارت ارشاد باشد.» اسعدیان در ادامه توضیح داد: «بنابراین طبق آیین‌نامه، اگر هر جواب این ظلم را خواهید دید و از شورای صنفی نمایش شاکی هستم.» با این توضیحات لبه تیغ اتهامات نجفی در آن فیلم به سوی همایون اسعدیان، رئیس شورای صنفی نمایش، نشانه گرفته شد. اسعدیان در گفت‌وگو با «شرق» درباره این اتفاق گفت: «واقعیت این است که طبق آیین‌نامه شورای صنفی، فیلم «من یک ایرانی‌ام» که با سرگروه سینمایی «گوروش» قرارداد اکران بسته بود، باید چهارشنبه گذشته اکران خود

را آغاز می‌کرد، چون قرار بود بعد از فیلم «خانه کاغذی» به نمایش

عمومی درآید. معمولا هم اکران فیلم‌ها بعد از رسیدن کف فروش فیلم

قبلی صورت می‌گیرد؛ به‌طورمثال سال گذشته فیلم «مهرمانان کوچک»

حمایت‌ها از «روز عقیم» ادامه دارد

صدای هنرمندان در دفاع از تئاتر ایران

جیست؟ نیروهای بازدارنده کیستند؟ مصوبه شورای

عالی انقلاب فرهنگی در باب ممیزی آثار چه می‌گوید؟ هنرمندان ما همه قوانین، مصوبات و خطوط قرمز و حساسیت‌ها را از پس ده‌ها خلق آثارشان می‌شناسند.

پس یک بار برای همیشه به‌صورت شفاف موضوع نظارت و ارزشیابی آثار نمایشی را مشخص کنید.

محمد عاقبتی: **انصاف**

من محمد عاقبتی، کارگردان تئاتر و داور بخش آفاستنج جشنواره تئاتر فجر، در اعتراض به حذف و توقیف نمایش روز عقیم به کارگردانی همکارم حسین کیانی، از ادامه همراهی با جشنواره و داری نمایش‌های این بخش انصراف می‌دهم. قرار بود جشن بزرگداشت روز گفت‌وگو، روز آزادی بیان و اندیشه باشد. از شهادت محمد مساوات برای به‌صدا درآوردن دوباره این زنگ خطر تشکر می‌کنم. مطمئنم رفیق عزیز و هوشیارم، حمید پورآذری تصمیم‌را درک خواهد کرد.

رضا گوران: **گفت‌وگو**

وقتی ناپیرخودم کانون کارگردانان خانه تئاتر بودم و حسین کیانی ریاست کانون را برعهده داشت، در سال‌های صدارت شاه‌آبادی و… در آن دوران نمایش‌هایی توقیف می‌شدند. یادم هست می‌رفتم با حسین رایزنی می‌کردیم و با اعضای شورا می‌نشستم و با آنها دوباره نمایش‌ها را می‌دیدیم تا رأیشان عوض شود. یکی از آن نمایش‌ها آنتیکونه همایون بود. یادم هست، نشستم با خودم، ولی می‌خواهیم بدانیم این‌بار از ناحیه کدام بزرگوار یا رسانه و روزنامه مورد بدگویی و تهمت واقع شده‌ایم که یک شب پیش از اجرای روزعقیم متعهد و شریف، زحماتتان را عقیم می‌کنند؟!

استاد عزیز، من از شما کلاس‌های دارم!
شما که همیشه هم در کلاس‌های درستان و هم در معاشرت‌ها و گپ‌وگفت‌های غیررسمی ما را به مطالعه، خلاقیت هنری، تعهد، صبر و شرافت کاری توصیه کرده‌اید، چرا به ما نگفتید که نویسنده و کارگردان تئاتر بودن در این مملکت چیزی شبیه جرم است و اهالی‌اش باید خودآزآرانی باشند با لباس آهنین که به‌جای گذاردن واحدهای درسی و تخصصی در دانشگاه باید جسم و روحشان را سخت کنند تا شاید



در ابتدا برای دوهفته قرارداد بسته بود، اما به دلیل فروش خوب آن، اکرانش تا شش هفته به طول انجامید. به همین دلیل اکران فیلم بعدی آن؛ یعنی «قاتل اهلی» به عقب افتاد. حالا هم بعد از پایان فروش «خانه کاغذی»، فیلم «من یک ایرانی‌ام» باید در چهارشنبه گذشته اکران می‌شد و آقای نجفی از اکران آن سر باز زد.» اسعدیان در ادامه توضیح داد: «بنابراین طبق آیین‌نامه، اگر هر فیلمی بنا بر دلایل غیرموجه از اکران خودداری کند، اکران آن یک سال به تعویق می‌افتد، اما درعین‌حال ما فیلم‌هایی داشتیم که به دلیل زلزله‌های اخیر و الودگی هوا بنا بر قانون، اکران شدند، ولی با توجه به موقعیت‌های غیرقابل‌پیش‌بینی به آنها یک هفته فرجه دادیم تا به اکران خود ادامه دهند و با آنها همکاری کردیم، اما آقای نجفی معتقد است که الان زمان خوبی برای اکران فیلم نیست و گفته می‌خواهم فیلم را ۲۵ بهمن‌ماه اکران کنم کهخب این حرف قانونی نیست.»

رئیس شورای صنفی در پایان خاطر‌نشان کرد: «من از شکایت آقای

نجفی استقبال می‌کنم و حاضر به پاسخ‌گویی در هر دادگاهی هستم.»

جشنواره سی‌وششم

شب یازدهم تئاتر فجر

انبات بهتر ایرانی بودن

● **رضا آشفته:** شب یازدهم نسبت به ۱۰شب قبل‌تر، شاید گرم‌تر بود؛ به‌دلیل اینکه همه می‌خواستند سرمای زمستان را با پناه‌جستن در سالن‌های تئاتر جبران کنند و از آن‌سو نیز تقریبا شبی بود که همه گروه‌ها و مخاطبان تئاتر آخرین دیدوبازدیدها را انجام می‌دهند تا سالی بعد و اگر عمری باقی باشد، باز بگومگوها آغاز می‌شود که آن جشنواره چگونه است و نسبت به دوره‌های پیشین چگونه جلو افتاده یا عقب مانده است. در این دوره ایرانی‌ها در بخش مسابقه بین‌الملل خیلی بهتر بودند و حضورشان در دو بخش السف و با ایران نیز بسیار دیدنی بود، اما نمونه‌های قابل‌اعتنایی از تئاتر خارجی در بخش خارج از صحنه حضور داشتند که می‌توانستند بیابگر یک پیشنهاد تازه برای بهبود اوضاع این بخش‌هایی باشند که در ایران ما هنوز نیازمند توجه و ورود بسیاری از تکنیک‌ها و شیوه‌های اجرایی است که بخشی از آن نیز می‌تواند حالت کاربردی به خود بگیرد.

افسانه بیر: صدرالدین زاهد که از هنرمندان کارگاه نمایش تهران به‌شمار می‌آید، از سال ۵۷ مثل بسیاری از هنرمندان این کارگاه، ی‌ا دیگر در تهران کار نکردند و به خارج از ایران رفتند یا اینکه خانه‌نشین شدند یا به هنرهای دیگر پناه بردند و معدودی نیز بعدها فرصتی دوباره برای حضور در تئاتر داشته‌اند. زاهد هم با «افسانه بیر»، از آثار درخورتامل داریو فوی ایتالیایی، به تهران بازگشته که بحتمل تئاتر کار کند. افسانه بیر نمایشی درباره روابط انسان و ببری است که در آن هر دو به همدیگر کمک خواهند کرد که به شرایط معمول بازگردند. هر دو اینها با ملاحظات ی به داد یکدیگر می‌رسند. این نمایش یک اثر تک‌نفره است که می‌تواند برای هر تماشاگری جذاب باشد، زیرا در این نمایش ضمن استفاده از فنون نمایش‌های ایرانی، از اصول تئاتر شرقی نیز استفاده شده است که بتواند برای تماشاگران اتفاق تازه‌ای به حساب آید. صدرالدین زاهد از نقالی ایرانی و شیوه سیه‌بازی برای انجام کمدی کلامی بهره‌مند می‌شود و حتی در ضمن ضرب‌کوفتن و آوازخوانی، گود زورخانه را برپایان نداعی می‌بخشد که آن شیوه آوازی هم می‌تواند در خدمت یک اجرای نمایشی به شکل خلاقانه‌ای قرار بگیرد.

شرقی‌غمگین: این نمایش نوشته سجاد افشاریان و کار سعید زارعی و درباره زندگی هنرمندانه است. علی‌معروف به علی عشقی در حال تولید اثری است که در آن کلمه‌هایی به شعر و نثر در حال انجام است و در لابه‌لایش بریده‌هایی از دوبله فیلم هم آورده می‌شود. تا اینکه سعید، دوستش، بیکاره می‌آید و این سکوت و خلوت را برهم می‌ریزد. آنها در یک



خانه قدیمی و کلنکی مستاجرند و به سختی روزگار می‌گذرانند. سعید تن به هرکاری می‌دهد؛ از پرورش و فروش مواد متوهمی مانند گل گرفته تا پیک موتوری و مانند اینها.. آنچه در متن شرقی غمگین قابل‌ملاحظه نیست، قوام‌یافتن تفکر است، چون متن انگاش به پایان باز است و با طرح پرسش و ایداع تعلیق به دنبال تکمیل این مسیر و روند ارتباط میسر خواهد شد به ذهن مخاطب واگذار شده است، اما این دلیل نمی‌شود که در میانه‌ها من نتوانیم از این روابط و رویدادها به مسائل و مصادقای مهم‌تری بپردازیم، چون می‌دانیم زندگی اکثریت هنرمندان به دلیل ول‌شدگی‌ها و بی‌برنامگی‌ها یا تهدیدها و آسیب‌های بسیار همراه است، از آن نکاتی است که می‌تواند چنین متونی را برجسته‌تر و ماندگارتر کند. سجاد افشاریان و سید هومن‌شاهی در مقام بازیگر بیشتری تلاش را برای استقرار اجرا متحمل شده‌اند. بخشی از این بازی‌ها حس است که بیابگر دوره جوانی و عاشقانه‌ای با شمس‌های عشقی است. بخشی به مصرف مواد و الکل می‌پردازد که چت‌شدگی‌ها و مستی‌ها را عیان می‌کند و بخشی هم شوخی‌ها و بازی‌های دوستانه این دو است، اما این وضعیت نامتعادل است و هر دو در آستانه فروپاشی هستند و دیگر هم نمی‌توانند به داد همدیگر برسند.

خط‌آبی: «خط آبی» به کارگردانی آنتونیس کوتروپویس از کشور یونان یک پرفورمنس تلفیقی از کورتونکرافی و نقاشی است که در آن هدف ارائه تصاویری است که بشود از آن مفهوم‌سازی کرد. شاید مشکل عمده هم در آنجا باشد که گروه اجرایی فکر می‌کند چون کلام را حذف کرده، با بیان بدنی و نقاشی به‌راحتی می‌تواند با مردمان جهان ارتباط بگیرد. در این پرفورمنس هم چند سطح تصویر وجود دارد. اول همان دستگاه تایپ است که بعد به آن نخ‌ی آبی سوار می‌شود که مانند مداری در بیکرانه‌ها می‌گردد و بر آن عده‌ای آدمک کاغذی به شکل فرادا و دونفره سوار و در گردشند... سطح دوم که در آن مرد و زن‌هایی می‌آیند و به نمایش خود را بروز می‌دهند و سطح سوم نیز دیوار سفیدی است که بر آن نقاشی می‌شود. آنچه مطرح می‌شود، با شاید‌ها و تردیدهایی همراه خواهد شد که فکر منسجم و درخورتاملی را متبادر نخواهد کرد و باید که در این رابطه کمی درازاندیشی برای متمرکزکردن مخاطبان بی‌شمار در دنیا انجام شود.